



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۹ بهمن ۱۳۹۱

مصادف با: ۶ ربیع الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۲۳

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه

موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام - مشایخ ثقات

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### ابو جمیل

از جمله کسانی که هم به عنوان یکی از مشایخ ابن ابی عمیر و هم به عنوان یکی از مشایخ صفوان ذکر شده ابو جمیل است.

ابو جمیل عمده‌تاً به عنوان یکی از کسانی که صفوان از او روایت نقل کرده معرفی شده ولی در بعضی از کتب نام او به عنوان یکی از مشایخ ابن ابی عمیر هم ذکر شده است. ابو جمیل یا مفضل بن صالح اسدی کسی است که بنا بر گفته شیخ طوسی در زمان حیات امام رضا (ع) از دنیا رفته است، شیخ درباره او می‌گوید: «مفضل بن صالح ابو علی مولی بنی اسد که کنیه‌اش ابو جمیل است»، نجاشی او را تضعیف کرده البته با این بیان که وقتی سخن از جابر بن یزید جعفی است درباره جابر می‌گوید: جماعتی از او روایت کرده‌اند که آن جماعت تضعیف شده‌اند و در ادامه نام چند نفر از جمله مفضل بن صالح را ذکر می‌کند، ابن غضائری شاید تندترین تعبیر را درباره مفضل داشته باشد، چون می‌گوید: «المفضل بن صالح ابی جمیل الاسدی ضعیف کذاب یضع الحدیث»، عین همین تعبیر را علامه در خلاصه الاقوال آورده و می‌فرماید: «ضعیف کذاب یضع الحدیث روی عن ابی عبدالله (ع) و عن ابی الحسن (ع)»<sup>۱</sup> این عبارت نشان می‌دهد علامه این تعبیر را از ابن غضائری اخذ کرده است.

با توجه به اینکه شیخ طوسی درباره این شخص چیزی نگفته و نجاشی هم فقط نام او را در زمره کسانی آورده که جابر بن یزید جعفی از آنها روایت نقل کرده و به طور کلی گفته این افراد ضعیفند، عمده تعبیری که صراحتاً دال بر ضعف ابی جمیل است از ابن غضائری نقل شده و علامه هم همین تعبیر را از ابن غضائری اخذ کرده است، پس اساس تضعیف این شخص ابن غضائری است و ما قبلاً درباره تضعیفات ابن غضائری بحث کردیم و گفتیم معمولاً اصحاب به تضعیفات ابن غضائری توجه نمی‌کنند چون تضعیفات او نسبت به روات بر اساس موازین معتبر نیست بلکه عمده تضعیفات او ناشی از اعتقادی است که او نسبت به افراد داشته است و به عبارت دیگر تضعیفات او مستند عن سماع و حس نیست بلکه مثلاً

۱. رجال شیخ طوسی، ص ۳۱۵.

۲. فهرست نجاشی، رقم ۳۳۲.

۳. خلاصه الاقوال، ص ۲۵۸.

کسی را که به عقیده او اهل غلو بوده تضعیف کرده است در حالی که بسیاری از عقایدی که در آن زمان غلو محسوب می‌شد اکنون جزء مسلمات عقاید شیعه است یعنی ملاک غلو نزد ابن غضائری یک ملاک قابل اتکایی نمی‌تواند باشد، پس تضعیفات ابن غضائری قابل اتکاء نیست و تضعیف نجاشی هم شاید به خاطر اتهام غلو در مورد ابو جمیله بوده و عقیده غلو آمیز ربطی به وثاقت ندارد، چه بسا کسی عامی مذهب باشد اما اهل حدیث به روایات او اعتماد می‌کنند به عنوان اینکه ثقه است، پس منشأ تضعیف نجاشی هم احتمالاً همین مسئله غلو باشد که در این صورت لطمه‌ای به وثاقت ابو جمیله نمی‌زند و همان طور که درباره سایر موارد گفتیم شاید ابن ابی عمیر و صفوان که از ابو جمیله روایت نقل کرده‌اند معتقد به وثاقت او بوده‌اند، صرف نظر از همه موارد فوق، در کتب اربعه از صفوان فقط یک روایت از ابو جمیله نقل شده که آن هم ربطی به احکام ندارد و آن روایت این است: **عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ حُمَيْدِ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَيَالُ لَصَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»**<sup>۱</sup>. با ملاحظه نکاتی که گفته شد ضعف ابی جمیله نمی‌تواند قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» را نقض کند.

### معلى بن خنيس

معلى بن خنيس از مشايخ صفوان به حساب می‌آید. شيخ طوسی درباره او می‌گوید: «معلى بن خنيس يکنى ابا عثمان الاحول له کتابٌ اخبرنا به جماعة عن ابی جعفر بن بابويه عن ابن وليد عن الصقار عن احمد بن محمد عن ابيه عن صفوان عنه»<sup>۲</sup>.

امر معلى بن خنيس نسبت به ابو جميه آسان‌تر است چون در مورد ابو جميله حداقل ابن غضائری و نجاشی و مرحوم علامه هم به تبع ابن غضائری او را تضعیف کرده‌اند اما در مورد معلى بن خنيس نه نجاشی و نه شيخ و نه ابن غضائری هیچ کدام او را تضعیف نکرده‌اند و نه تنها تضعیفی در کار نیست بلکه شيخ طوسی در کتاب «الغيبه» یک داستانی را نقل می‌کند از کسی که معلى بن خنيس را به قتل رسانده است و می‌گوید: «انما قتله داوود بن علی بسببه و کان محموداً عنده و مضى علی منهاجه و کان امره مشهوراً فرؤى عن ابی بصير لما قتل داوود بن علی المعلى بن خنيس فصلبه عظم ذلك علی ابی عبدالله (ع) و اشتد عليه و قال (ع) له: يا داوود علی ما قتلت مولای و قیمی فی مالی و علی عیالی والله انه لأوجه عند الله منک»<sup>۳</sup>؛ داوود بن علی او را کشت به سبب اینکه معلى از قوام ابی عبدالله (ع) محسوب می‌شد و مورد ستایش حضرت بود و بر روش حضرت عمرش را گذراند و روش و منش او هم مشهود بود و بر کسی مخفی نبود، از ابی بصير روایت شده که وقتی داوود بن علی معلى بن خنيس را به قتل رساند این امر بر امام صادق (ع) گران آمد و به او فرمود: ای داوود چرا کسی را که قیّم در مال و عیال من بود به قتل رساندی، قطعاً او نزد خداوند متعال از تو وجیه‌تر

۱. کافی، ج ۶، ص ۵۳۱، کتاب الزی و التجمل، باب النوادر، ح ۷.

۲. فهرست شيخ، رقم ۷۲۱.

۳. کتاب الغيبه، ص ۲۱۰.

است. و در روایت دیگر حتی این تعبیر آمده که امام صادق (ع) درباره معلی بن خنیس فرمودند: «...اما والله لقد دخل الجنة»؛ به خدا سوگند او داخل در بهشت شد.

بر فرض معلی بن خنیس همان کسی باشد که صفوان از او روایت نقل کرده است، نه تنها تضعیفی نسبت به او از طرف بزرگان علم رجال وارد نشده بلکه حتی بعضی از آنها کلماتی دال بر مدح او ذکر کرده‌اند.

یک نکته مهم و اساسی اینجا وجود دارد که اساساً معلی بن خنیس کسی نیست که صفوان از او روایت نقل کرده باشد چون سال قتل معلی بن خنیس سال ۱۳۳ هجری قمری است و صفوان در سال ۲۱۰ هجری فوت کرده یعنی صفوان ۷۷ سال بعد از فوت معلی بن خنیس از دنیا رفته است، حال چگونه ممکن است کسی که ۷۷ سال بعد از معلی بن خنیس از دنیا رفته است از او روایت نقل کرده باشد، البته چنین چیزی محال عادی نیست ولی چنین احتمالی خیلی ضعیف است.

«والحمد لله رب العالمین»